

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دانشکده علوم سیاسی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)
رشته روابط بین الملل

موضوع:

عوامل موثر داخلی و خارجی بر بحران امنیت افغانستان

از سال ۲۰۰۱ لغایت ۲۰۱۰

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر علی اکبر امینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میر طیب موسوی

پژوهشگر :

ابراهیم شعبانلو

زمستان ۹۰

تعهذنامه اصالت پايان نامه كارشناسي ارشد

اينجانب ابراهيم شعبانلو دانش آموخته مقطع كارشناسي ارشد به شماره دانشجويي ۸۸۰۷۵۰۳۰۰۰۰۲ در رشته روابط بين الملل كه در تاريخ ۹۰/۱۰/۲۶ از پايان نامه خود تحت عنوان عوامل موثر داخلي و خارجي بر بحران امنيت افغانستان (در دوره زماني ۲۰۰۱ لغايت ۲۰۱۰) با كسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدنيوسيله متعهد مي شوم:

- ۱- اين پايان نامه حاصل تحقيق رو پژوهش انجام شده توسط اينجانب بوده و در مواردی كه از دستاوردهای علمي و پژوهشي ديگران (اعم از پايان نامه، كتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رويه های موجود نام منبع مورد استفاده و ساير مشخصات آن را در فهرست ذكر و درج کرده ام.
- ۲- اين پايان نامه قبلاً برای دريافت هيچ مدرک تحصيلي (هم سطح، پايين تر يا بالاتر) در ساير دانشگاهها و موسسات آموزش عالي ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصيل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداري اعم از چاپ كتاب، ثبت اختراع و ... از اين پايان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشي واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمايم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زماني خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشي از آن را پذيرم و واحد دانشگاهي مجاز است با اينجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصيلي ام هيچگونه ادعائي نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگي:

تاريخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۶

ابراهیم شعبانلو دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به
حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

تقدیم می کنم به

مردم صبور افغانستان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول (کلیات تحقیق)

۲	۱-۱- بیان مسئله تحقیق
۲	۲-۱- اهمیت موضوع و انگیزه انتخاب آن
۲	۳-۱- قلمرو تحقیق
۳	۴-۱- سوال های تحقیق
۳	۱-۴-۱- سوال اصلی
۳	۲-۴-۱- سوال فرعی
۳	۵-۱- فرضیه تحقیق
۴	۶-۱- روش تحقیق
۴	۷-۱- متغیرها و واژه های کلیدی

فصل دوم امنیت در افغانستان

۶	۱-۲- مفهوم امنیت ملی
۸	۲-۲- افغانستان و امنیت ملی
۹	۳-۲- بحران پناهندگان و آوارگان
۱۰	۴-۲- وضعیت کنونی نهادهای امنیتی افغانستان
۱۰	۲-۴-۱- زیر ساختهای امنیتی در افغانستان
۱۲	۲-۴-۲- پلیس افغانستان
۱۴	۲-۴-۳- ارتش ملی افغانستان
۱۶	۲-۴-۴- محرک های جنبی ناامنی

فصل سوم: عوامل داخلی موثر بر بحران امنیت

۱۹	۳-۱- جایگاه راهبردی افغانستان
۲۰	۳-۲- جغرافیای سیاسی افغانستان

- ۲۲..... ۳-۳- هويت ملي در افغانستان.....
- ۲۶..... ۴-۳- ساختار سياسي و اجتماعي در افغانستان.....
- ۲۷..... ۴-۳-۱- پشتون.....
- ۲۷..... ۴-۳-۲- تاجيك.....
- ۲۷..... ۳-۴-۳- هزاره.....
- ۲۸..... ۴-۴-۳- ازبک.....
- ۲۸..... ۵-۴-۳- ترکمن.....
- ۲۸..... ۶-۴-۳- بلوچ.....
- ۲۸..... ۷-۴-۳- قزلباش.....
- ۲۹..... ۸-۴-۳- سادات.....
- ۳۰..... ۵-۳- معضل مواد مخدر.....
- ۳۰..... ۱-۵-۳- نخستين عمليات مشترک ناتو و روسيه براي مقابله با مواد مخدر در افغانستان.....
- ۳۲..... ۲-۵-۳- روند کشت خشخاش در افغانستان با بررسي گزارش سازمان ملل.....
- ۳۵..... ۳-۵-۳- جدول وضعيت مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۰.....
- ۳۶..... ۴-۵-۳- پيامدهای منفي مواد مخدر براي کشورهای منطقه و جهان.....
- ۳۷..... ۵-۵-۳- نقش ناتو در مبارزه با مواد مخدر افغانستان.....
- ۴۰..... ۶-۵-۳- نگاه روسيه به مساله مواد مخدر در افغانستان.....
- ۴۳..... ۶-۳- تشكيل دولت مرکزي.....
- ۴۴..... ۱-۶-۳- چالش قومي - اجتماعي.....
- ۴۴..... ۲-۶-۳- چالشهای سياسي ناشی از ضعف حکومت.....
- ۴۵..... ۳-۶-۳- چالشهای اقتصادي.....
- ۴۵..... ۴-۶-۳- چالشهای آموزشي، فرهنگي و بهداشتي.....
- ۴۹..... ۷-۳- قوم گرایی.....
- ۵۲..... ۸-۳- طالبان.....
- ۵۷..... ۹-۳- شبکه القاعده و طالبان.....
- ۵۹..... ۱۰-۳- بحران نهادهای امنیتی افغانستان و دور نمای خروج از آن.....

فصل چهارم : عوامل خارجی موثر بر بحران امنیت افغانستان

- ۴-۱- موقعیت جغرافیایی و راهبردی افغانستان نسبت به همسایگان.....۶۳
- ۴-۲- پیشینه روابط آمریکا با افغانستان.....۶۳
- ۴-۳- سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان در دوران حضور نظامی شوروی.....۶۸
- ۴-۴- یازدهم سپتامبر و تحول در سیاست خارجی آمریکا.....۶۹
- ۴-۵- آمریکا و حمله به افغانستان اهداف و منافع.....۷۴
- ۴-۵-۱- اهداف اقتصادی آمریکا.....۷۴
- ۴-۶- اهداف ژئواستراتژیک آمریکا در افغانستان.....۷۸
- ۴-۶-۱- گسترش ناتو به شرق و اهداف امنیتی - ژئوپولیتیکی.....۸۱
- ۴-۷- افغانستان نخستین عرصه آزمون دکترین بوش.....۸۲
- ۴-۸- سیاست خارجی آمریکا در زمان طالبان.....۸۳
- ۴-۹- محدودیتهای سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران افغانستان در زمان طالبان.....۸۴
- ۴-۱۰- ناتو و افغانستان.....۸۵
- ۴-۱۱- روسیه و افغانستان.....۹۵
- ۴-۱۱-۱- روسیه و موقعیت راهبردی افغانستان.....۹۵
- ۴-۱۱-۲- امنیت ملی روسیه و بحران امنیت افغانستان.....۹۸
- ۴-۱۱-۳- عملکرد روسیه نسبت به افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر.....۹۸
- ۴-۱۱-۴- محدودیتهای سیاست خارجی روسیه در زمان طالبان.....۹۹
- ۴-۱۲- موقعیت جغرافیایی پاکستان نسبت به افغانستان.....۱۰۱
- ۴-۱۲-۱- موقعیت راهبردی پاکستان نسبت به افغانستان.....۱۰۶
- ۴-۱۲-۲- امتیازات پاکستان نسبت به افغانستان.....۱۰۷
- ۴-۱۲-۴- هماهنگی جریانهای مذهبی پاکستان با طالبان.....۱۰۸
- ۴-۱۲-۵- شناخت کامل پاکستان از نقاط راهبردی افغانستان.....۱۰۸
- ۴-۱۲-۶- داشتن نقش محوری در مسائل افغانستان.....۱۰۹
- ۴-۱۲-۷- واقعه ۱۱ سپتامبر و دولت‌مردان نظامی پاکستان.....۱۱۲
- ۴-۱۲-۸- اهداف سیاسی و امنیتی پاکستان در قبال افغانستان.....۱۱۲
- ۴-۱۲-۹- اهداف اقتصادی پاکستان.....۱۱۴

۱۱۶.....افغانستان و عربستان سعودی و افغانستان.....۱۳-۴

۱۱۷.....اهداف سیاست خارجی عربستان در افغانستان در زمان طالبان.....۱-۱۳-۴

فصل پنجم: آینده نگری

۱۲۱.....دورنمای خروج از بحران امنیت در افغانستان.....۱-۵

۱۲۱.....نگاه بلند مدت و ساختاری.....۱-۱-۵

۱۲۱.....بازسازی نهادهای امنیتی.....۲-۱-۵

۱۲۲.....ریشه کنی فساد.....۳-۱-۵

۱۲۳.....اعطای زمان و منابع به نهادهای امنیتی افغانستان.....۴-۱-۵

۱۲۴.....لزوم تفکیک در پلیس ملی افغانستان.....۵-۱-۵

۱۲۵.....نتیجه گیری.....۲-۵

۱۲۹.....منابع.....

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مساله تحقیق :

صحبت از بحران امنیتی در افغانستان بدون در نظر گرفتن عوامل داخلی و خارجی آن نتیجه مطلوب و همه جانبه ای را نصیب پژوهشگر نمی نماید. از عوامل خارجی ناامنی افغانستان در بین سالهای ۲۰۰۱-۲۰۱۰ می توان به وجود گروههای تروریستی و پناه گرفتن آنها در افغانستان و منافع پاکستان که منجر به دخالت در امور افغانستان و حمایت از نیروهای القاعده و طالبان می شود اشاره کرد. باحمله انتحاری که منجر به نابودی برجهای دوقلو گردید پای آمریکا به این کشور باز شد که به دنبال خود مجموعه ای از حوادث را رقم زد. و کشورهایی مانند پاکستان، چین، روسیه، آمریکا و... هر یک بدنبال منافع خود در افغانستان بر آمدند.

از عوامل داخلی بحران امنیتی می توان به موزائیکی بودن جامعه افغانستان و ساختار متنوع قومی و قبیله ای آن اشاره نمود و همچنین تنوع مذاهب و فرق، فقر فرهنگی، بیسوادی، پائین بودن مشارکت سیاسی، عدم شکل گیری دولت - ملت در افغانستان و مجموعه از عوامل این چنینی اشاره نمود

۱-۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

نظر به اینکه افغانستان از نظر موقعیت استراتژیک و جغرافیای سیاسی دارای اهمیت بسیار بوده و تاثیر مستقیم بر امنیت ملی ایران دارد و علاقه اینجانب در این حیطة می باشد لذا گمان می کنم موضوع افغانستان موضوع پر اهمیتی می باشد.

۱-۳- قلمرو تحقیق:

این تحقیق به بررسی عوامل موثر داخلی و خارجی بر بحران امنیت افغانستان می پردازد. در خصوص عوامل خارجی، تأثیرگذاری کشورهای چون پاکستان، آمریکا، روسیه، عربستان و ناتو پرداخته خواهد شد. در خصوص عوامل داخلی، تأثیرگذاری عواملی چون جایگاه راهبردی جغرافیای سیاسی، هویت ملی و ساختار سیاسی بررسی می گردد.

۱-۴- سنوآلهای تحقیق:

۱-۴-۱- سنوآل اصلی

سنوآل اصلی : عوامل موثر داخلی و خارجی در بحران امنیتی افغانستان کدامند؟

۱-۴-۲- سنوآل فرعی

سنوآلات فرعی : چه کشورهایی در بحران امنیت افغانستان نقش ایفا می کنند؟

عوامل بحران زا در داخل این کشور کدام است؟

۱-۵- فرضیه تحقیق:

موقعیت توپوگرافی و نیز ساختار اجتماعی سیاسی افغانستان مستعد بحران است که این عوامل با توجه به دخالت کشورهای منطقه ای که برای خود منافی در این کشور تصور می کنند تشدید شده است و نیز زمینه های جدید بحران زا ایجاد نموده است.

موقعیت ژئو استراتژیک افغانستان مستعد درگیری و بحران به طور بالقوه می باشد و عوامل تاثیر گذار داخلی از جمله نبود نهادهای امنیتی، تنوع قومی و قبیله ای و قوم گرایی، وضعیت نابسامان اقتصادی و... عوامل خارجی عبارتند از عوامل منطقه ای و فرا منطقه ای دخالت کشورهایمانند آمریکا، روسیه، پاکستان، هند، چین و عربستان ... می باشند که موجب شکل گیری نا امنی و بحران در کشور افغانستان شده است.

جامعه آماری:

افغانستان و کشورهای دارای منافع در آن کشور

روش گردآوری اطلاعات:

کتابخانه ای، اسنادی، مصاحبه با افراد مطلع

۱-۶- روش تحقیق :

توصیفی - تحلیلی:

برای تدوین این پژوهش ابتدا به جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و نیز مراجعه به اسناد درجه اول پرداختم سپس به تدوین این داده های متفاوت در یک چارچوب واحد تحلیلی پرداخته ام و در نهایت به جمع بندی در خصوص آینده این تحولات خواهم پرداخت.

۱-۷- متغیرها و واژه های کلیدی :

امنیت، عوامل داخلی بحران،

متغیر مستقل : بحران امنیت افغانستان

متغیرهای وابسته: ساختار سیاسی و قومی، نهادهای امنیتی، راههای مواصلاتی، ترانزیت انرژی

تعریف امنیت : امنیت همواره یکی از دغدغه های اصلی بشر بوده است که مفهوم و گستره آن به موازات رشد بشر نیز دچار تحول معنایی و کارکردی شده است. اگرچه عمده صاحب نظران معتقدند امنیت مفهومی مورد اختلاف است اما نوعی اتفاق نظر وجود دارد که به صورت تلویحی معتقد است امنیت به معنی رهایی از تهدیدات در قبال ارزش های بنیادین (هم برای شخص و هم ملی و هم جهانی) است . اما درباره اینکه مرکز ثقل آن فرد ، ملی یا بین المللی است کماکان اختلافات شدیدی وجود دارد .

در این زمینه بری بوزان در مطالعه خود با عنوان " مردم ، دولت ها و ترس " معتقد است به نوعی دیدگاه نسبت به امنیت نیاز داریم که علاوه بر جنبه های نظامی ، شامل جنبه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و زیست محیطی نیز باشد و با توجه به شرایط گسترده بین المللی نیز تعریف شود.

بوزان معتقد است ماهیت امنیت در روابط بین الملل با امنیت اجتماعی یا دیگر شقوق امنیت هرچند در برخی کیفیات مشترک است اما معنایی مجزا و خاص خود را دارد. برخلاف امنیت اجتماعی که با مساله استحقاقات و عدالت اجتماعی پیوندهای محکمی دارد امنیت بین الملل ریشه های استوار تری در سنت سیاست قدرتمندانه داشته و دستور کار مجزا و متفاوتی دارد.

فصل دوم

امنیت در

افغانستان

۲-۱- مفهوم امنیت ملی :

امنیت ملی به دنبال تاسیس دولت - کشور^۱ مطرح شده که ریشه آن به تولد دولت مدرن در قرن هفدهم میلادی بر می گردد، که تحت عنوان بقای ملی هم مطرح گردیده است. امنیت ملی مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نمی باشد. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می گردد. شاید علت این عدم اتفاق، گستردگی و کلیت اکثر مسائل و ارزش های انسانی، اجتماعی است که همگی تحت تاثیر این مفهوم قرار دارند. بر همین اساس آرنولد و لفرز^۲ می گوید امنیت ملی نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد. آلستا یربوکان^۳ نیز معتقد است امنیت واژه ای است که معانی بسیاری دارد و نیز باری بوزان^۴ می گوید امنیت ملی را نمی توان به طور کلی تعریف کرد، بلکه تنها در مواردی مشخص می توان آن را تعریف نمود. او در این مورد در جای دیگری می گوید امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است. چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می گذارد. با این احوال از طرف صاحب نظران در این مورد تعریف مشخص تر و دقیق تری نیز مطرح شده است. مثلاً در دائره المعارف علوم اجتماعی این واژه چنین تعریف گردیده است: توان یک ملت در حفظ ارزش های داخلی از تهدیدات خارجی (کجور، ۱۳۸۵: ۳۸).

سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می نماید: این که کشورها هیچگونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند. در این زمینه فرهنگ علوم سیاسی آورده است: امنیت ملی عبارت از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می باشد (افتخاری، ۱۳۷۷: ۲۷).

^۱ -Nation-state

^۲ -Arnold Welfares

^۳ - Alesta Yearbokan

^۴ -Barry Buzan

والتر لیپمن^۵ محقق و نویسنده آمریکایی اولین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نموده است وی می گوید: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد و منافع حیاتی خود را با پیروزی در جنگ حفظ کند (بلیس، ۱۳۸۰: ۲۲).

اگر در تعاریف مزبور دقت شود می توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک و قابل قبول تمام صاحب نظران روی ضرورت حفظ وجود خود است. یا به عبارت دیگر می توان آن را حفظ ذات و سیانت نفس از اساسی ترین خطرات تعبیر کرد. برخی از صاحب نظران حفظ خود یا سیانت ذات و نفس را در چهار پدیده با ارزش خلاصه می نمایند:

۱- حفظ جان مردم .

۲- حفظ تمامیت ارضی .

۳- حفظ نظام اقتصادی و سیاسی .

۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور .

این چهار مقوله به عنوان جوهره امنیت ملی این خصوصیت را دارد که تمام کشورها در سیاست خارجی و داخلی در مورد اهمیت و حفظ و تلاش جهت رفع تهدیدات علیه آنها در حد توان و امکان اتفاق نظر کامل دارند (ماندل، ۱۳۸۱: ۸۲).

آنچه ذکر شد معنی خاص امنیت است که هدف اولیه و انگیزه اصلی رفتار تمام کشورها در صحنه سیاست خارجی بشمار می آید. امنیت در یک معنی وسیع و عام دیگر نیز استعمال می شود که غالباً در ادبیات روابط بین لمللی و سیاست خارجی دیده شده است. امنیت ملی در معنی عام کلمه به معنی آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت است. بنابر این یکی از اهداف اساسی کشورها، تامین امنیت به معنی تلاش برای جلوگیری از بروز خطرانی است که متوجه ارزش های حیاتی آن باشد.

^۵ - Walter Lipman

^۶ - جان بلیس، امنیت بین المللی در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه سید حسین محمدی نجم، (تهران: مرکز دافوس سپاه سال ۱۳۸۰)، ص ۲۲

۲-۲- افغانستان و امنیت ملی :

تاریخ کوتاه حیات سیاسی افغانستان مملو از ناامنی، بی ثباتی و درگیری بوده است. عوامل متعددی در شکل گیری نا امنی ها در افغانستان دخالت دارند که برخی از آنها مثل قوم گرایی، محیط جغرافیایی، عدم انسجام دولت مرکزی و ... ریشه در تحولات داخلی افغانستان دارد .

از جانی دیگر خلا قدرت در افغانستان ، موقعیت سرزمینی و قدرتهای برتر را جهت کنترل افغانستان تحریک کرده است . از اینرو مشاهده می شود در طی حیات کوتاه مدت سیاسی افغانستان، یعنی از ۱۸۵۶ پیمان پاریس که این سرزمین از ایران جدا شده ، تقریباً تمام قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای اهداف و برنامه های خود را در این سرزمین به بوته آزمایش گذاشته اند . در این چارچوب شاهد رقابت روس و انگلیس در قرن ۱۹ ، آمریکا و شوروی در قرن ۲۰ ، مجموعه غرب فعلی با قدرتهای منطقه ای، نمونه های بارزی از وجه المصلحه شدن افغانستان و تبدیل آن کشور به عرصه بازیگری می باشد .

وضعیت کنونی افغانستان ، از یک طرف مبین درگیری عوامل داخلی به زیان امنیت و همچنین رقابت بازیگران خارجی است که کارکرد آن تزریق نا امنی به محیط افغانستان است . فعالیت طالبان و القاعده ، به منزله پیوند زمینه های نامناسب داخلی با فاکتور خارجی در جهت اخلاص در امنیت افغانستان هستند . نا امنی و بی نظمی که طالبان و القاعده در افغانستان تولید کرده اند ، مدتهای زیادی بر ارکان اصلی افغانستان سایه خواهد افکند . چرا که مخالفین مسلح دولت افغانستان به مانند عوامل ضد امنیت بوده و حاکمیت ملی ، امنیت ملی و اقتدار دولت افغانستان را تحت الشعاع اقدامات خود قرار داده اند . امنیت افغانستان وابستگی تامی به رفع عوامل و پدیده های مخل امنیت دارد. در ادامه تحقیق به بررسی علل و عوامل موثر بر امنیت افغانستان به شکل موضوعی و در سطح تحلیل گروهی پرداخته می شود . (در قالب مسائل ذیل) :

۱- سنجش نسبت قوم گرایی با امنیت

۲- رابطه عامل جغرافیا با امنیت

۳- طالبان ، القاعده و امنیت

۴- مواد مخدر و امنیت

۲-۳- بحران پناهندگان و آوارگان:

وجود میلیون‌ها آواره افغان در کشورهای همسایه افغانستان، یک نتیجه مستقیم و بلافصل بحران افغانستان به شمار می‌رود. بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان از اواسط دهه ۱۹۷۰ به این سو موجب پیدایش پدیده مهاجرت گسترده افغانها به کشورهای همسایه شد. حمله ارتش سرخ به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و شروع جنگ داخلی بعد از سقوط دولت کمونیستی نجیب تشدید این روند را در پی داشت. طی سالهای فوق‌الذکر امنیت ملی ایران به طور ملموسی با مساله حضور آوارگان افغان در کشورمان مرتبط بوده است.

امنیت اجتماعی به عنوان بخش کوچکتری از امنیت ملی نیز از بحران پناهندگی تاثیر پذیر است. فرهنگ متفاوت و حتی متعارض پناهندگان با فرهنگ مردم کشور پذیرنده آنها می‌تواند مشکلات اجتماعی عدیده ای برای کشور پذیرنده به وجود آورد. یکی از موارد که مصداق مناسبی برای پیوند بین دو مفهوم «امنیت ملی ایران» و «بحران امنیت افغانستان» به شمار می‌رود، ضربه‌هایی است که برخی از آوارگان افغان به امنیت اجتماعی و روانی کشورمان وارد ساخته‌اند. نگاهی به میزان دخالت برخی از آوارگان افغان در اموری نظیر سرقت و قتل نشانگر اهمیت این موضوع است، به گونه‌ای که برخی از مقامات انتظامی و امنیتی کشور خواستار اعمال کنترل‌های بیشتری بر رفتار اجتماعی آوارگان افغان و اخراج آن دسته از این آوارگان شده‌اند که به طور غیرمجاز در ایران به سر می‌برند.

جمهوری اسلامی طبق یک سیاست بشر دوستانه و اسلامی، طی سالیان گذشته پذیرای بیش از دو میلیون آواره افغان بوده است. اما این مساله هرگز بدون ارتباط با امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نبوده است. در بعد سیاسی، تفکیک عناصر مشکوک و مغرض از مهاجران ساده و عادی یک مشکل همیشگی برای کشورهای پذیرفته و آورگان به شمار می‌رفته است.

این مشکل هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که بین دو کشوری که آواره جنگی تابعیت آن را دارا می‌باشد و کشور پذیرنده مهاجران، نوعی خصومت رقابت و یا نزاع وجود داشته باشد. مهاجرانی که به ایران پناهنده می‌شوند، دقیقاً از همین نوع کشورها وارد خاک جمهوری اسلامی ایران می‌شوند. ایران در حالی پذیرای مهاجران افغانی و عراقی بوده است که هم دولت عراق و هم دولت خود خوانده طالبان و حتی دولت کمونیستی پیشین افغانستان را نوعی تضاد و خصومت با حکومت ایران

برخوردار بوده اند. مثلاً ایران در سال ۱۳۸۰ پذیرای دو میلیون و پنجاه هزار آواره و پناهنده خارجی بود و از این نظر مقام اول جهان را به خود اختصاص داده است. تردیدی نیست که کنترل این تعداد پناهنده خارجی و تفکیک عناصر جاسوسی از آوارگان و پناهندگان عادی در میان آنها به لحاظ سیاسی و امنیتی برای امنیت ملی کشور بسیار حیاتی و البته هزینه بر است. از سوی دیگر حتی آوارگان عادی نیز ممکن است چندان با نظام سیاسی و اجتماعی کشور پذیرنده هماهنگ نباشند. میزان پیوند و ارتباط مستقیم آوارگان و پناهندگان با مردم بومی مساله‌ی است که هر کشور پذیرنده آواره و پناهنده، آنرا در راستای امنیت ملی خود تعریف و طبقه بندی خواهد کرد

۲-۴- وضعیت کنونی نهادهای امنیتی افغانستان :

۲-۴-۱- زیر ساختهای امنیتی در افغانستان :

در حال حاضر، تنها بخش کوچکی از نهادها و سازمانهای متولی تامین امنیت در کشور به شدت ناامن افغانستان بازسازی شده‌اند و سایر بخش‌ها همچنان در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند. وجود چنین شرایط نامطلوب امنیتی، ریشه در تاریخ ۳۰ سال گذشته افغانستان دارد. در فاصله زمانی ۸۹-۱۹۷۹ قاطبه نهادهای امنیتی دولتی بر اثر تجاوز نظامی خارجی فروپاشیدند و به تبع آن گروههای فرقه‌ای و قومی زیادی که اصولاً ماهیت شبه نظامی و چریکی داشتند در نقاط مختلف افغانستان سر بر آوردند. این وضعیت هرج و مرج همچنان در غیاب یک دولت مرکزی قوی در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۹ باقی ماند و علاوه بر عوامل داخلی، برخی بازیگران خارجی نیز به آن دامن زدند. هر چند در یک دوره از این مقطع زمانی، طالبان به طور نسبی بر دیگر گروههای درگیر فایز آمدند، اما این امر نیز کمکی به برقراری امنیت پایدار در کشور نکرد.

در سال ۲۰۰۱ فهرستی از گروههایی که در جریان سلسله عملیات سرنگونی طالبان به نیروهای ائتلاف یاری رسانده بودند منتشر گردید. این گروهها خواستار آن شده بودند که در نظام حکومتی آتی در افغانستان نقشی در تامین امنیت کشور بر عهده گیرند. درخواست این گروهها در نشست بن در دسامبر ۲۰۰۱ رسمیت یافت؛ جایی که از آنها خواسته شد تا در بازیابی یکپارچگی و امنیت افغانستان مساعدت‌های لازم را نمایند.

اما این قضیه هم کمکی به بهبود اوضاع امنیتی نکرد، چرا که هر یک از گروهها فقط به دنبال منافع خود در افغانستان بعد از طالبان بودند و نشانه‌ای از وفاق ملی و تشریک مساعی مشاهده نگردید. از آنجایی که نیروهای آمریکایی بیشتر از اینکه متوجه برقراری امنیت عمومی باشند بر مبارزه با تروریسم متمرکز شده بودند و برنامه کمکهای امنیتی بین المللی ملل متحد هم تنها در کابل و آن هم با مقیاسی نه چندان وسیع اجرا می‌گردید، به سرعت خلأ امنیتی افغانستان را دربرگرفت.

دولت وقت افغانستان برای مقابله با خلأ پدید آمده، برنامه «اصلاح بخش امنیتی» (SSR)^۷ را با هدف جلب کمک کشورهای دیگر و در قالب کنفرانس ژنو (آوریل ۲۰۰۲) به مرحله اجرا گذاشت. بر طبق این برنامه، پنج کشور متضمن کمک به افغانستان در راستای شکل دهی به نهادهای امنیتی این کشور شدند که ایالات متحده آمریکا در راس این پنج کشور ایجاد ارتش ملی افغانستان را تقبل نمود. این برنامه که نوید آینده‌ای روشن را برای مملکت بحران زده افغانستان می‌داد، متأسفانه در ادامه با معضلاتی رو به رو گردید که در نهایت به ناتمام ماندن آن منجر شد. به طور مثال آلمان که ایجاد پلیس ملی عراق را بر عهده گرفته بود در اجرای تعهدات خود تعلل ورزید و انتقاد آمریکا را برانگیخت. همچنین ناکافی بودن سرمایه گذاری و ناهماهنگی میان کشورها، از دیگر دلایل ناکامی این طرح به شمار می‌رود.

ناکارآمدی‌های آمریکا در افغانستان باعث شد تا در پی تغییر و تحول در کاخ سفید محور سیاست خارجی آمریکا هم از مسائل عراق به برقراری امنیت در افغانستان معطوف گردد. در ۲۷ مارس ۲۰۰۹، بارک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، سیاست جدیدی را تحت عنوان «آف - پاک» (افغانستان و پاکستان) مطرح کرد که نقشه راه دولت او در برخورد با مسئله افغانستان قلمداد می‌شود. در گزارش رسمی ایالات متحده که جزئیات سیاست آف - پاک در آن تشریح و در ۲۷ مارس ۲۰۰۹ منتشر شد، آمده است که: سیاست آف - پاک شصت روز و با مشارکت مؤسسات مطالعات و رسمی آمریکا از جمله کنگره آمریکا، مقامات رسمی افغانستان، پاکستان و شرکا و متحدان آمریکا در ناتو طراحی شده است. آنچه باعث شد اتخاذ یک سیاست جدید تحت عنوان آف - پاک در دستور کار آمریکا قرار گیرد این بود که به رغم گذشت چندین سال از حضور آمریکا و ناتو در افغانستان موفقیت چندانی در

^۷ - Reform Security Sector